



تظاهرات علیه حضور
جمهوری اسلامی در
کنفرانس جهانی کار
۳۰ مه، ژنو

فراخوان همبستگی-

فدراسیون سراسری
پناهندگان

دستگیری پناهندگان
معارض در ترکیه را
محکوم کنید

علیه توطئه اخراج
پناهندگان افغانی
"بازگشت داوطلبانه"
یا پاکسازی قومی؟

دومین کنفرانس مدوسا
۴-۲ ژوئن
کلن، آلمان

تظاهرات بزرگ مردم در دانشگاه تهران

دارد به صحنه میاید تا توازن
قوا را بکلی بهم بزند. اینها
اردوی عظیم رفاه و آزادی و
برابری اند. اینها حکومت
مذهبی نمیخواهند. اینها کل
آزادی را میخواهند.

حزب کمونیست کارگری،
بخشهای مختلف مردم،
کارگران، زنان، جوانان،
دانشجویان و دانش آموزان و
همه اقشار زحمتکش و
آزادخواه را به گسترش هرچه
بیشتر اعتراضات و اعتصابات
برای برچیدن کل بساط حکومت
اسلامی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ خرداد ۱۳۷۹
۲۵ مه ۲۰۰۰

زندانیان سیاسی، بسته شدن
زندانیهای سیاسی، توپ تانک
بسیجی دیگر اثر ندارد از جمله
شعارهای تظاهرات امروز بود.
مردم خشمگین همچنین علیه
سران جمهوری اسلامی
رفسنجانی، جنتی، لاریجانی
و رسانه های وابسته به جناح
راست و در دفاع از آزادی
مطبوعات شعار دادند. در سایر
شهرستانها نیز تظاهرات هائی
در روزهای گذشته صورت گرفته
است.

جنب و جوشی عمیق و
گسترده کل جامعه ایران را
فرامیگیرد. این نیروی عظیم،
این "نیروی سوم" که جمع کردن
بساط کل حکومت اسلامی را
میخواهد، دیگر کسی نمیتواند
خاموش کند. این نیروی عظیم

حدود دو هزار نفر از تظاهرات
کنندگان نیز بیرون دانشگاه در
پشت درب ورودی شعار
میدادند. فشار جمعیت آنچنان
بود که نیروهای انتظامی را
مجبور کرد در دانشگاه را باز
کنند. تظاهرات کنندگان داخل
دانشگاه به تظاهرات بیرون
دانشگاه ملحق شدند تا
تظاهرات را در خیابانها ادامه
دهند. تعداد کثیری که بیش
از ۱۰ هزار نفر تخمین زده
میشد در خیابانهای اطراف
دانشگاه آماده بودند تا در
صورت کشیده شدن تظاهرات
به خیابانها در آن شرکت کنند.
نیروهای انتظامی و انصار حزب
الله مانع تظاهرات در خیابانها
شدند و تظاهرات کنندگان به
داخل دانشگاه رفتند. آزادی

سه روز متوالی، دانشگاه
تهران و خیابانهای اطراف آن شاهد
اجتماع، تظاهرات و میتینگهای
اعتراضی بود. علیرغم لغو برگزاری
تظاهرات توسط "جبهه متحد
دانشجویی" وابسته به جناح
طبرزدی و کنار کشیدن کامل آن
از هرگونه شرکتی در این
اجتماعات و علیرغم حضور
گسترده نیروهای انتظامی و انصار
حزب الله، بعد از ظهر چهارشنبه
۴ خرداد، هزاران نفر از مردم در
خیابانهای اطراف دانشگاه تهران
تجمع کردند. نیروهای انتظامی
که همه چهارراه ها و محوطه
اطراف دانشگاه را بشدت زیر
کنترل داشتند موفق به متفرق
کردن مردم و به خانه فرستادن
مردم نشدند.
نیروهای انتظامی تلاش کردند
تا مانع بهم پیوستن تظاهرات
داخل و بیرون دانشگاه شوند با
وجود این صدها نفر خود را به
تظاهرات داخل دانشگاه رساندند.

آیا این ۱۸ تیر دیگری است؟

صفحه ۳

مجلس ششم اسلامی تشکیل میشود

طوفان در راه است



داده است. خط مقدم جبهه اکنون
باید جای دیگری تعریف شود.
جنبه حقوقی آنچه رخ داده

صفحه ۲

جناح راست تنگ خواهد شد.
امکانات راست برای حفظ وضع
موجود و دفاع از مواضع قدرت
خویش در حکومت بشدت محدود
تر شده است.

منصور حکمت

ماجرای انتخابات تهران،
علیرغم همه تلافی شوری نگهبان
و علیرغم معراج رفسنجانی به
رتبه بیستم و حذف علیرضا رجایی
(نماینده بی پناه و بدون پارتی و
غیر خودی نهضت آزادی که معلوم
شد که کل تقلب در انتخابات
برای ورود او به مجلس بوده
است!) نشان قدرت راست نبود.
بلکه حاکی از ضعف سیاسی و
ناتوانی آن بود. اکنون، در پایان
این چند هفته پرتلاطم، بنظر میاید
که اقدامات سرکوبگرانه هفته های
اخیر جناح راست چیزی بیش از
یک سلسله جنگ و گریزهای
ایذانی نبود و نهایتا در تصویر
عمومی عقب نشینی راست تغییر
اساسی نداده است. جناح راست
یک سنگر سیاسی را از دست

مصاحبه رادیو انترناسیونال با

منصور حکمت درباره محاکمه

نمایشی ۱۳ شهروند یهودی

جمهوری اسلامی در این بیست
و چند سال در ایران است.
محاکمه های ساختگی،
اعترافات قلبی، دادگاههای
نمایشی، آدمهای بیگناهی که
از زندانها و سياهچال ها و
میدان اعدام سر درآوردند، این
داستان تمام زندگی این حکومت
است و این ۱۳ نفر شهروند
مملکت که با عنوان "یهودیان"
(یعنی در واقع به جرم یهودی

این مصاحبه ۱۶ اردیبهشت
در ایران پخش شده است

رادیو انترناسیونال: میخواهم
نظراتان را در باره محاکمه ۱۳
یهودی بجرم جاسوسی و آوردن
سه تن از آنها در یک نمایش
تلویزیونی اعتراف به جاسوسی
بپرسم.

منصور حکمت: این یکی از
جلوه های غم انگیز حاکمیت

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

طوفان در راه است

است در جنگ جناحها کمترین اهمیت را دارد. سوال این نیست که مجلس خبرگان یا قوه قضائیه و یا ولی فقیه چقدر از نظر حقوقی و از نظر موازین قانون اساسی رژیم اسلامی امکان وتو کردن و خنثی کردن مصوبات احتمالی مجلس آتی را دارند. این جدالی حقوقی نیست، بلکه سیاسی است. این نهادها، اساسا تریبونها و ظرف های سیاسی ای هستند که به صاحبان اجازه و امکان ابراز وجود سیاسی در جامعه میدهند. برای مثال، از نظر حقوقی خامنه ای، بعنوان ولی فقیه مطلق العنان میتوانست خواست شاخه هایی از جناح راست برای ابطال انتخابات را عملی کند. اما از نظر سیاسی، ابتدا قدرت چنین حرکتی را نداشت. لغو انتخابات به معنای اعلام علنی عدم مشروعیت حکومت اسلامی توسط بالاترین مقامات خود این رژیم می بود و این با توجه به مردمی که در کمین حکومت اند تا کارش را یکسره کنند جزو لیست انتخابهای مقدر خامنه ای نبود. بهمین ترتیب ارتقاء رفسنجانی از مقام سی و یکم به بیستم، اگرچه از نظر حقوقی او را در لیست نمایندگان مجلس قرار میداد، اما از نظر سیاسی، وقتی شعار "مرگ بر اکبر شاه" دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف را میلرزاند و دوم خردادی ها برای یک تعرض

امروزی آن را به زیر سوال میبرند، پیدایش رهبران آلترناتیو در صف راست، همه اشکالی هستند که با از کف رفتن مجلس موضوعیت پیدا میکنند. تناقضات درونی جناح راست بیش از هر چیز عنصر تلاشی و انهدام رژیم اسلامی را در خود حمل میکند. یک مشخصه اصلی دور آتی جدال جناحها، تجدید سازمان و تجدید تعریف جناح راست است.

اما در جبهه مقابل نیز، بدست گرفتن مجلس فاز دشوار تری را آغاز میکند. جنبش دوم خرداد دارد با سرعت به دیوار سنگی ای که قرار است به آن اصابت کند نزدیک میشود. در این سه سال دوران خاتمی، ایران تنها کشوری در جهان بوده است که قوه مجریه آن، شامل رئیس جمهور و کابینه آن، پلیس مخفی و وزارت اطلاعات و وزارت کشور و دارایی و سازمان زندانها و بانک مرکزی آن به طرز محیر العقول خود را "اپوزیسیون" قلمداد کرده اند! این تصویر، که جناح دوم خرداد آگاهانه به آن پروبال میدهد یک تصویر ریاکارانه و مزورانه است که مصارف سیاسی مهمی برای این جریان دارد. اینها با این تصویر خود را از مسئولیت اقدامات سرکوبگرانه و فوق ارتجاعی حکومت خویش میرا جلوه میدهند. لبه تیز انتقاد مردم به کلیت حکومت را کند میکنند. این تصویر اجازه میدهد که وعده تغییر بدهند، بی

آنکه موظف به عمل کردن به آن باشند. این تصویر، به دفاع دوم خردادی های مرتجع بیرون حکومت از رژیم اسلامی رنگ "ذکر اندیشی" و "دفاع از اصلاحات" میزند. دفاع از قوه مجریه یک رژیم آدمکش، در نهایت وقاحت دموکراسی طلبی قلمداد میشود. این تصویر کمک میکند جمهوری اسلامی موقعیت خود را در سطح بین المللی بهبود بدهد، کمک میکند مخالفان آزادی واقعی مردم ایران، از دولتها تا ژورنالیستهای بی اصول و نان به نرخ روز خور مدیای رسمی در غرب با سهولت و بدون مقاومت چندانی علیه جنبش های آزادیخواهانه و رادیکال مردم در ایران موضع بگیرند و تبلیغ کنند و سانسور کنند.

اکنون قوه مقننه هم به قوه مجریه در اپوزیسیون ملحق شده است! جنبه ماوراء پوچ و فکاهی این پدیده به کنار، حال جنبش دوم خرداد دیگر فرجه زیادی برای مانور "اپوزیسیونی" ندارد. دوم خرداد اپوزیسیون نبوده و نیست. جزئی از آنچه است که بعنوان جمهوری اسلامی زندگی مردم ایران را سیاه کرده است. بقول خامنه ای، یک "بال" این رژیم است. با هژمونی در مجلس این واقعیت بطور بسیار شفاف تری جلوی جامعه قرار میگردد. این دولت خاتمی و مجلس دوم خرداد است که در ایران سر کار است. سرکوب میکند و محروم میکند. لولوی راست و بهانه "راست

اطلاعیه مطبوعاتی

دستگیری ۱۰۰ نفر از تظاهرات کنندگان پناهنده مقابل دفتر سازمان ملل در آنکارا

خطر اخراج دستگیر شدگان را تهدید میکند

به فراخوان فدراسیون پناهندگان عراقی و در هماهنگی با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در اعتراض به سیاستهای ضد پناهندگی دفتر سازمان ملل در ترکیه و به منظور بهبود پروسه پذیرش پناهندگی، امروز ۲۴ مه ۲۰۰۰ تظاهراتی جلوی دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در آنکارا برگزار گردید. از نخستین دقایق این تظاهرات پلیس ضد شورش دست به محاصره این تجمع اعتراضی زده و کلیه پناهندگان دستگیر شده را به اداره پلیس منتقل کرد.

به دولت ترکیه برای دستگیری این پناهندگان و سیاستهای ضد پناهندگی دفتر سازمان ملل در ترکیه اعتراض کنید. سازمان ملل

می کند هر خطری که متوجه دستگیرشدگان گردد و امنیت آنها را به مخاطره اندازد، دولت ترکیه و دفتر سازمان ملل مسئول بوده و باید جوابگو باشند. دبیرخانه همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۲۴ مه ۲۰۰۰

دستگیر شدگان تظاهرات امروز وارد میدان شد و دولت ترکیه را به این منظور تحت فشار بین المللی قرار داد. سازمان ملل نیز باید همانطور

طبق آخرین خبر از همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، ۱۸ پناهنده ایرانی و عراقی همچنان در زندانهای ترکیه تحت بازداشت هستند. همبستگی از همه خواسته است که همچنان اعتراض خود به دستگیری این افراد از طریق فاکس و ای میل های زیر به دولت ترکیه و کمیساریای پناهندگی سازمان ملل اعلام کنند و کپی آن را به

آدرس IFIR, ifiric@aol.com برای همبستگی میل کنند

رئیس جمهوری ترکیه Cankaya@tccb.gov.tr;

نخست وزیر ترکیه Minister, Ddlb1@tccb.gov.tr;

وزیر کشور ترکیه 011-90-312-417-2390

وزیر خارجه ترکیه 011-90-312-419-1547 (e-mail: webmaster@mfa.gov.tr)

کمیساریای عالی سازمان ملل در ترکیه kxanhu@unhcr.ch

سفیر ترکیه در آمریکا turkish@erols.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

درباره محاکمه نمایشی ۱۳ شهروند یهودی

از صفحه ۱



آیا این ۱۸ تیر دیگری است؟

مصطفی صابر

خاتمی که اگر شلوغ کنید آنها کودتا خواهند کرد، نمی تواند روشی برای حفظ جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع باشد. اکنون سران جمهوری اسلامی باید با وحشت و هراس جلسه بگذارند و بر سر و کول هم بکوبند که کدام آخوند و یا مکلا را جلو بفرستند تا مگر صباچی دیگر برای جمهوری اسلامی زمان بخرد.

این درست که شعارهای روزهای اخیر در مرز مرگ بر رفسنجانی و عناصر سرشناس جناح راست متوقف ماند، اینجا و آنجا و آنجا شعارهایی به نفع خاتمی و همچنین "ملی - مذهبی" ها داده شد، اما این فقط به این دلیل بود که هنوز چماق حزب الله و باتوم و زندان دولت خاتمی بالای سر مردم قوی بود. این توازن قوا نیز بزودی بهم خواهد خورد.

۵ خرداد ۷۹

(۲۵ مه ۲۰۰۰)

بار دیگر مردم سه روز متوالی (دوم، سوم و چهارم خرداد) در جلوی دانشگاه تهران اجتماع کردند و کسی نتوانست آنها را به خانه برگرداند. بارها شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد"، شعارهایی در دفاع از آزادی مطبوعات و شعارهای تند علیه جناح راست رژیم اسلامی در خیابانهای اطراف دانشگاه ظنین انداخت. سه روز "تیروهای ضد شورش" و "لباس شخصی ها" در مقابل مردم صف کشیده اند و اینجا و آنجا زد و خورد کردند. مقامات دولت خاتمی گفتند اعتراض نکنید، اجازه اجتماع ندارید. "تشکل طبرزدی" خود فراخوان خویش به تظاهرات را پس گرفت. "انصار الله" سنگ زدند و چماق کشیدند، اما مردم همچنان دسته دسته به جلو دانشگاه آمدند، دانشجویان و مردم بهم پیوستند و شعار دادند "دانشجو، جامعه، اتحاد اتحاد!".

آیا این آغاز ۱۸ تیر دیگری است؟ آیا این آغاز اعتراضی است که بسیار فراتر از ۱۸ تیر خواهد رفت؟ اوضاع ایران چنان ملتهب است که هر جرعه

خوب کفاش شیرازی چه چیزی را داشته اطلاع میداده که سعید امامی قبلاً نمیتوانسته اطلاع بدهد، تاسیسات اتمی بالای باباکوهی یا آلیاژهای پیچیده ای که روی سقف حافظیه بکار رفته است! اینها مسخره است. جمهوری اسلامی نه مشروعیت دارد کسی را دستگیر کند، نه مشروعیت دارد کسی را محاکمه کند، نه عدالت در آن مملکت معنی دارد. نه این اعترافات معنی دارد. اینکه یک عده ای را بگیرند، بعد از یکسال به دادگاه بیاورند و بعد طرف بگوید بله من کرده ام، همه با این آشنا هستیم. با دهها هزار نفر این کار را کرده اند. چه بسا اینهایی را که الان دارند از روزنامه های "خودی" میگیرند فردا بیایند از این نوع "اعترافات" بکنند. طرف را میبرند زندان، میزنند، تهدید به مرگ میکنند، خانواده را تهدید میکنند و بعد وعده میدهند که اگر زیر این اعتراف نامه را امضاء کنی شاید آقای خامنه ای عفو کند. کسی که میخواهد جانش را بهر قیمت از دست این اوباش در ببرد ممکن است به این راضی بشود. در نتیجه این "اعترافات" پشیزی ارزش ندارد، اینکارهایی که اینها دارند میکنند جنایت است، این افراد باید فوراً آزاد شوند. این حکومت صلاحیت دستگیری و محاکمه هیچکس را ندارد. در آن مملکت تا وقتی جمهوری اسلامی هست، چیزی به اسم عدالت و قضا نمیتواند وجود داشته باشد. اینها فقط دارند پرونده خودشان را در دادگاههای واقعی بعدی مردم سنگین میکنند و بس. باید از این کارها دست بردارند.

مورد اتهام جاسوسی و تحت بازجویی اند فرقی با صدها هزار نفری که در این سالها صابون حکومت به تشنان خورده و در دادگاههای نمایشی به زندان و اعدام محکوم شده اند ندارند. این کار همیشگی این رژیم است که هرچند صباح برای پلیسی کردن فضا، برای تهدید مردم، برای ترساندن جامعه و نشان دادن گوشه ای از سببیت و خشونتت از این صحنه ها درست کند. واضح است که بهانه هائی در محل در رقابتهای محلی پیدا میکنند و کسانی قربانی این سیاست ها میشوند و به دادگاه کشانده میشوند. ولی خود این پدیده نه محاکمه است، نه پرونده ای واقعا وجود دارد، نه حقیقتی پشت این "اعترافات" هست و نه دادگاه دادگاه است. دادگاهی که در آن دادستان و قاضی یک نفر هستند، یعنی دادستان باید سعی کند خودش را قانع کند که اینها بیگناهان یا گناهکارند و ادله را به خودش حواله بدهد، این دیگر دادگاه نیست. این یکی دیگر از همان محاکمه های صحرائی این بیست سال است. مردم را میگیرند، اگر منفعتشان اقتضا کند میکشند، اگر منفعتشان اقتضا کند ول میکنند، یا نگه میدارند. رفته اند یک عده از کسبه یک شهری را بجرم جاسوسی برای اسرائیل گرفته اند. این اتهام استراتژیک و خوفناک اینهاست که قرار است هر جنایت و خشونت علیه اسراء را در قاموس اینها مجاز کند. تبلیغات آنتی سمیتیستی و فاشیستی کثیفی را دامن زده اند. اینها خودشان در پرونده سعید امامی میگویند که او در قلب وزارت اطلاعات جاسوس اسرائیل بوده،

نشریه مدوسا برگزار میکند

دومین کنفرانس مدوسا

"زن خوب فرمانبر پارسا"

۲-۴ ژوئن ۲۰۰۰ کلن، آلمان

فرهنگ، سنن، و ارزشهای مردسالارانه و زن ستیز در ایران

فرزانه تأییدی بهرام چوبینه پروانه حمیدی هما سرشار ثریا شهابی

آذر ماجدی مریم نمازی

فیلم: بخاطر همه چیز بکارگردانی رجب محمدین با معرفی بصیر نصیبی
نمایشگاه نقاشی: زن، موسیقی، رنگ از داوری

شروع کنفرانس جمعه ۲ ژوئن ساعت ۱۱ صبح

تلفن تماس با برگزار کنندگان کنفرانس:

آذر مدرسی: ۴۶ ۳۷ ۷۸۲ ۱۷۲ ۴۹ + مینا احدی: ۳۳ ۹۲ ۵۷۱ ۱۷۷ ۴۹ +
پروین کابلی: ۲۰ ۴۰ ۷۷۴ ۷۰ ۴۶ + مریم کوشا: ۹۳ ۹۴ ۴۳۹ ۷۷۱ ۴۴ +
شماره فاکس: ۹۸ ۹۴ ۷۶۰ ۲۲۱ ۴۹ +

azarmajedi@yahoo.com

محل کنفرانس: Pedagogisches Zentrum der Konigin Luiseschule
Friesenplatz, Albertus Str. 19/ Altewallgasse 10

بدلیل کثرت مطالب این شماره ادامه

مقاله پرده آخر: یادداشتهایی درباره
بحران سیاسی رژیم اسلامی از منصور
حکمت به شماره های بعد موقوف شد

انترناسیونال هفتگی

را تکثیر و پخش کنید

به انترناسیونال هفتگی

کمک مالی کنید

علیه توطئه اخراج مهاجرین افغانی

"بازگشت داوطلبانه" یا پاکسازی قومی؟

شهرام صنیعی

موج پاکسازی قومی وسیعی خبر میدهد که جمهوری اسلامی از آغاز سال جدید در ایران شروع کرده است.

افغانها در ایران طی بیست سال گذشته نه تنها بعنوان شهروند ایران حقوقشان برسمیت شناخته نشده است بلکه بعنوان انسانهای درجه چندمی به حساب آمده اند که میبایست شاقترین کارها را با دستمزدهای بسیار نازل انجام دهند. در تمام طول این سالها جمهوری اسلامی با کمک و همراهی رسانه های نوکر و ناسیونالیسم ایرانی همیشه افغانها را "دزد"، "قاچاقچی و آدمکش" به جامعه معرفی کرده است.

مجامع بین المللی در قبال پاکسازی قومی و نژادی در ایران سکوت کامل کرده اند. توافق کامل تمامی جناحهای جمهوری اسلامی با اخراج افغانها از ایران، موافقت بخش اعظم اپوزیسیون جمهوری اسلامی با این حرکت فاشیستی و نژادپرستانه در کنار توافق سازمان ملل با اخراج پناهندگان "فاقد مدرک معتبر" همگی یک تراژدی انسانی را بوجود آورده که فقط میتواند با پاکسازی قومی یهودیان در آلمان و ارامنه در ترکیه قابل قیاس باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران همواره از حق کامل شهروندی پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران حمایت و دفاع کرده

از ۲۰ فروردین ماه امسال جمهوری اسلامی پاکسازی قومی هزاران پناهنده و مهاجر افغانستانی از ایران را آغاز کرده است. اخراج افغانها از ایران در چهارچوب توافقنامه ۲۵ بهمن ماه سال گذشته بین جمهوری اسلامی و کمیساریای عالی سازمان ملل صورت می گیرد. دو مرجع بر سر "بازگشت داوطلبانه" بیش از دو میلیون مهاجر افغانستانی از ایران با هم مذاکره کرده، تصمیم گرفته اند و سند امضاء کرده اند که مهاجرین افغانی باید "داوطلبانه" محل کار و زندگیشان را ترک کنند و به چهارچوبه ای بنام افغانستان بازگردند. کشوری که احزاب و دستجات مسلح مرتجع اسلامی اثری از مدنیت در آن باقی نگذاشته اند.

به گفته مقامات ایران کارگران و مهاجرین افغانستانی همه "داوطلبانه" شال و کلاه کرده اند و هزار هزار به "کشور خود" باز می گردند. خبرهای خبرگزاری جمهوری اسلامی طی هفته گذشته حاکی از است که: «بیش از ۷ هزار مهاجر افغانی از مشهد به کشورشان بازگشتند» و در خبری دیگری آمده است که: «سومین گروه مهاجران افغانستانی از زاهدان به کشورشان بازگشتند» اینها صرفا تیتراهایی است که از

است. حزب در برنامه خود چنین میگوید: «برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی.» «شمول یکسان قوانین کار و رفاه اجتماعی برای همه کارگران مستقل از تابعیت.» «صدور جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران.» حزب کمونیست کارگری تاکنون تظاهراتی سراسری متعددی در خارج کشور در دفاع از حقوق کامل شهروندی مهاجرین افغان و محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر اخراج آنان را سازمان داده است، و دهها نامه اعتراضی و قطعنامه در محکومیت جمهوری اسلامی و دفاع از مهاجرین افغانستانی در ایران به تصویب اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف رسانده اند.

طبقه کارگر در ایران و حزبش میروند تا تکلیف جمهوری اسلامی را یکسره کنند. تقویت صفوف حزب کمونیست کارگری توسط کارگران و مهاجرین افغانستانی در ایران میتواند پاکسازی قومی و نژادی جمهوری اسلامی را با سدی محکم روبرو کند. سرنگونی جمهوری اسلامی و به قدرت رسیدن حزب کمونیست کارگری ایران سناریوی پاکسازی قومی در ایران را با خود به گور خواهد سپرد. در جمهوری سوسیالیستی همه ساکنان ایران از حقوق مدنی برابر برخوردار خواهند بود.

تظاهرات علیه حضور جمهوری اسلامی**در کنفرانس جهانی کار****ژنو ۳۰ مه**

* در اعتراض به نبود آزادی اعتصاب و آزادی تشکل در ایران،
* در اعتراض به تبعیض علیه زنان در جمهوری اسلامی،
* در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد صدها هزار کارگر،
* در اعتراض به تعقیب و دستگیری هزاران کارگر،
* در اعتراض به اخراج دو میلیون مهاجر ساکن ایران،
* در اعتراض به محرومیت میلیونها کارگر از هرگونه قانون کار،
* در اعتراض به حضور شوراهای اسلامی به اسم نمایندگان کارگران ایران،
* در اعتراض به حضور رژیم ضد کارگر، ضد زن و ضد آزادی جمهوری اسلامی در کنفرانس جهانی کار،

حزب کمونیست کارگری ایران تظاهراتی را در سه شنبه ۳۰ مه ۲۰۰۰، در مقابل "کاخ ملل"، محل کنفرانس جهانی کار در ژنو تدارک دیده است. از شما دعوت میکنیم به این تظاهرات بپیوندید.

برای اطلاعات بیشتر و هماهنگی با ما با تلفن ۰۱۷۲۹۵۸۷۹۰۶ و ۰۱۷۳۸۹۰۹۹۷۰ تماس بگیرید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

رادیو انترناسیونال

صدای حقیقت صدای آزادی

صدای کارگر صدای انسانیت

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰ بوقت تهران

۷ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی

۱۹ متر برابر با ۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن ۱۰۹۹ ۶۶۱ ۷۷۱ ۰۰۴۴

تلفن مرکز اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۲۷۰۷ ۹۶۲ ۲۰۸ ۰۰۴۴

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768**Address:**

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

انترناسیونال هفتگی

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

روزنه دات کام

نشریه ای اینترنتی از حزب کمونیست کارگری ایران

<http://www.rowzane.com>**سردبیر : کورش مدرسی**

آخرین اطلاعاتی های حزب، مقالات جدید ویژه روزنه، منتخب مقالات نشریات مختلف، اطلاعاتی ها و مقالات اعضاء و فعالین حزب، آرشیو جامع اسناد و اطلاعات در مورد حزب، معرفی ارگانها و کادرهای رهبری حزب، اتصال به سایر سایت ها و مطالب بسیار دیگر

آدرس اینترنتی روزنه را بدست دوستان و

آشنایان خود در ایران و خارج کشور برسانید.